



علت‌های عدم موفقیت
مجموعه نمایش خانگی دفتر یادداشت

دفتر یادداشت یا شمسی خانم؟

ابراهیم کاظمی مقدم
روزنامه‌نگار و طنزپرداز



زندگی می‌کنند. برای داستان این فیلم اصلا و ابدا نیازی به لوکیشن لوکس و ساختمان‌های با کلاس نبود.

ایراد بعدی منطق فیلم است. کارگردان با این بهانه که فیلم کمدی است و منطق کمدی می‌تواند مسخره باشد، مرزهای رئالیسم و سورئالیسم را جابه‌جا کرده است. درست است که منطق در کمدی می‌تواند مسخره باشد، اما باید منطقی وجود داشته باشد. نمی‌شود بدون منطق، داستان را از ژانر به سورئال و برعکس جابه‌جا کرد. اعتیاد به نوشابه به خودی خود طنزنازانه است. اما اگر میزان آن را آنقدر بالا ببریم که منطقی نباشد، دیگر مخاطب را نمی‌خنداند. این ایراد به بخش‌های دیگری از این مجموعه نمایش خانگی هم وارد بود که در این مقاله نمی‌گنجد.

در کل دفتر یادداشت فیلمی نیست که در ذهن ایرانی‌ها ماندگار شود. ممکن است با تبلیغات و حاشیه‌سازی مدتی در پلتفرم‌های نمایشی بچرخد و پول اسپانسر و تهیه‌کنندگی را برگرداند، اما اثر فاخری برای کارنامه کارگردان نخواهد بود. بهتر است کارگردان‌های ما بیشتر روی این قضیه فکر کنند. ماندگاری اثر مهم‌تر است یا مسائل دیگر.

خانواده‌هایی که هنوز حرمت نگه می‌دارند و این گونه پرده‌داری‌ها را بین فرزندان و والدین نمی‌پسندند.

ایراد دوم مجموعه نمایش خانگی دفتر یادداشت، نگاه ابزاری و جنسی واضح به زنان است. شخصیت اول مجموعه، ایرج، با بازیگری رضا عطاران محاسن سفیدی دارد و باقی مردان هم کم‌سن نیستند. اما زنی که در این رنج سنی باشد در فیلم نیست. حتی پیرزن‌های فیلم هم جوان هستند. بگذریم که داستان فیلم و شوخی‌های اروتیک آن با دختران و زنان چقدر توی ذوق می‌زند. حتی در فیلم‌های هالیوودی که آزادی عمل خیلی بیشتری دارند هم کمتر آثاری پیدا می‌شوند که تا این حد از زن‌های جوان برای دیده شدن بیشتر شخصیت اصلی استفاده کنند.

ایراد سوم ملموس نبودن این سبک زندگی برای عامه مردم است. زندگی لوکس و لاکچری می‌تواند آرزوی عامه مردم باشد اما ملموس نه. بهتر است نویسندگان و کارگردان از اتوبان همت به پایین هم سری بزنند و با مردم عادی هم معاشرت کنند. یک بار در دروازه دولت سوار مترو شوند و ببینند، بینندگان فیلم‌هایشان چطور

مجموعه نمایش خانگی دفتر یادداشت اثر تازه کیارش اسدی‌زاده است. فیلمی در ژانر کمدی جنایی. همین تضاد ساده بین ژانر کمدی و جنایی پیش از این باعث خلق آثار خوب و جالبی در سطح جهانی شده است. در ایران مجموعه تلویزیونی خاطره‌انگیز کارگاه شمسی و دستیارش مادام یکی از بهترین نمونه‌ها برای این ژانر است. مجموعه‌ای که از سال ۸۰ در خاطر ایرانی‌ها ماندگار شد.

دفتر یادداشت اما ایرادات اساسی‌ای دارد که مانع ماندگار شدن این مجموعه خواهد شد. نخستین ایراد و بزرگ‌ترین آن‌ها شوخی‌های جنسی و اروتیک این مجموعه در دیالوگ‌ها و لحظات است. همین قضیه به تنهایی بخش عظیمی از مخاطبان ایرانی را از پای گیرنده دور می‌کند. سوای از بحث درست یا غلط بودن استفاده از این قبیل شوخی‌ها؛ کم نیستند

از دیگر نقاط ضعف این فیلم می‌توان به شلوغ بودن بی‌مورد بسیاری از صحنه‌ها در ویلا اشاره کرد که گاهی اوقات بعضی از این افراد هیچ دیالوگ و تأثیری در داستان ندارند. همچنین کش‌دار شدن زیاد بعضی صحنه‌ها در فیلم که گاهی اوقات ریتم آن مخاطب را خسته می‌کند. در سکانس‌های ابتدایی فیلم نیز، صداگذاری گفت‌وگوها در آب و کنار ساحل به شدت ضعیف است و این مسئله در سالن سینما بیشتر خودش را نشان می‌دهد.

ویلاي ساحلی ظاهری فریبنده دارد، از کارگردان نام آشنای آن گرفته تا بازیگرانی که هر کدام در فیلم‌های طنز آقایی می‌کنند. قاعدتا با این ترکیب عوامل فیلم و پوستر و تیزرهای تبلیغاتی آن، مخاطب منتظر دیدن یک فیلم کمدی سطح بالا است ولی بعد از دیدن فیلم ناامید به خانه بازمی‌گردد.

البته اگر مصاحبه اخیر آقای کارگردان با خبرگزاری‌ها را بخوانید، دیگر از ضعف‌های فیلم تعجب نمی‌کنید. کیانوش عیاری آنجا اعتراف می‌کند که فیلم را به خاطر پول ساخته، چون برای ساخت اثر بعدی خودش به پول نیاز دارد و به شدت تأکید هم دارد که این کار یک فیلم غیرمبتدل است. در جایی دیگر از مصاحبه بیان می‌کند: «ترجیح می‌دهم هرچه می‌سازم به دور از ابتذال باشد. چون ابتذال در هر زمینه‌ای از زندگی محکوم است.» «ویلاي ساحلی» یک فیلم کمدی نیست و در نهایت فقط می‌توانم بگویم یک فیلم شیرین است؛ یک فیلم قصه‌گو که داستانی مفرح را تعریف می‌کند. در مورد کمدی نبودن فیلم به نظر حق با آقای کارگردان است ولی در مورد مبتدل نبودن، قضاوت را به مخاطبان فیلم می‌سپاریم.

فیلم ویلاي ساحلی به کارگردانی کیانوش عیاری که اکران آن از ۱۵ آذر شروع شده، به واسطه‌ی بازیگران مطرحی چون رضا عطاران و پژمان جمشیدی توانسته سر و صدای زیادی به پا کند. این فیلم در نخستین روز اکرانش توانست رکورد فروش را جابه‌جا کند، هرچند بعید است در ادامه اکران بتواند میزان فروش خود را به هتل و حتی فسیل برساند.

این فیلم داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند که به‌عنوان سرایدار قرار است برای شش ماه از یک ویلا نگهداری کنند. صاحب ویلا، می‌خواهد برای شش ماه در خارج از ایران زندگی کند و به همین دلیل ویلا را به یونس (پژمان جمشیدی) و همسرش (ریما رامین‌فر) می‌سپارد و آن‌ها با سه فرزندشان به آنجا نقل مکان می‌کنند. اما برادرزن یونس (رضا عطاران) با ورود خود، داستان‌هایی را رقم می‌زند.

متأسفانه محتوای داستان فیلم بعضی مفاهیم مانند غیرت و امانت‌داری را به‌راحتی زیر سؤال می‌برد. یونس که ظاهراً فردی سنتی و پایبند به اصول اخلاقی است، به‌طرز عجیبی فردی با مشکلات شخصیتی خاص و تندخو نشان داده می‌شود که با فشار اطرافیان از مواضع خود کوتاه می‌آید و او اول از ویلاي ساحلی که در اختیارش قرار گرفته اجازه سوءاستفاده می‌دهد و بعد، از حساسیتش بر روی محرم و نامحرم که مجبور است از این موضع هم کوتاه بیاید. نیمه اول فیلم تقریباً هیچ موقعیت طنز یا ویژه‌ای ندارد و صرفاً در اواخر فیلم چند موقعیت و دیالوگ خنده‌دار را شاهد هستیم. بیشتر شوخی‌ها هم با تکه‌پرانی‌ها و حرف‌های رضا عطاران می‌خواهد شکل بگیرد که این الفاظ آنقدر توسط عطاران در فیلم‌های مختلف تکرار شده که دیگر برای مخاطب جدید و خنده‌دار نیستند.



بررسی فیلم سینمایی
«ویلاي ساحلی»

منتظر کمدی نباشید

رامین زارعی

روزنامه‌نگار و طنزپرداز

